

اعلامیه حزب حکمتیست

طرح "حجاب و عفاف" مُرده به دنیا آمده است! این
خاکریز پوشالی را هم قاطعانه درهم میکوبیم!

صفحه ۴

جدال آلترناتیوها؛
سوسیالیسم یک انتخاب است!

صفحه ۵

سیاوش دانشور

لایحه عفاف و حجاب تعجیل در تصویب، وحشت از اجرا!

ملکه عزتی

همزمانی پیام به ترامپ راسیست و فراخوان آنتی کمونیستی
با کدام هدف؟

(چرا عبدالله مهتدی رسماً دروغ میگوید)

صفحه ۹

رحمان حسین زاده

زنان در سال ۲۰۲۴ نشان دادند که انقلاب اجتماعی تنها راه
حل است!

صفحه ۱۱

پروین کابلی

افترا و پرونده سازی سلطنت طالبان علیه کمونیستها
محکوم است!

صفحه ۱۲

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و
محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

۷۸۲

حکمتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۳۰ آذر ۱۴۰۳ - ۲۰ دسامبر ۲۰۲۴

خاور میانه بعد از سقوط
دولت دیکتاتوری اسد،
سر نوشت جمهوری اسلامی

بعد از حمله تروریستی حماس در ۱۷ اکتبر به اسرائیل و حمله متقابل دولت نژاد پرست و اشغالگر اسرائیل به غزه و آغاز نسل کشی مردم فلسطین با حمایت همه جانبه دولت امپریالیستی امریکا و دول غربی، خاورمیانه وارد دوره جدیدی از حیات خود شد و تغییرات سریع و چشمگیری تا کنون به خود دیده است. تضعیف و شکست محور مقاومت از حماس و حزب اله و در ادامه سقوط دولت دیکتاتوری اسد با نقشه دولت‌های ترکیه و امریکا و پشت صحنه دولت اسرائیل، عقب نشینی دولت‌های روسیه و جمهوری اسلامی به عنوان حامیان اصلی دولت اسد منجر به انتقال حکومت به جریان اسلامی هیئت تحریرالشام شد.

خرسندی از سقوط دولت دیکتاتوری اسد با نقشه دولت‌های ذینفع در این تحول و نگرانی از قدرتگیری گیری جریانات سیاه اسلامی در گوشه ای دیگر از خاورمیانه و به دست گرفتن سر نوشت آینده مردم سو ریه بعد از بیشتر از یک دهه جنگ، با نیم میلیون کشته و میلیونها آواره، دو احساس متضاد است که بر افکار عمومی مردم آزادخواه جهان سنگینی می کند مردم سو ریه که سالها از جنگ و آوارگی خسته شده اند، میان شادی از سقوط دیکتاتوری خاندان اسد و نگران از آینده

صفحه ۲



میلیاردها دلار از جیب مردم هرینه نیروهای مقاومت در فلسطین، لبنان، عراق و یمن به عنوان نیروهای بازدارنده کرد، با شکستهایی که متحمل شده، ورق هم اکنون به ضرر آن برگشته است. جمهوری اسلامی که در سالهای گذشته در نتیجه قیامهای مردمی، ضربات سنگینی متحمل شده، اکنون با خسارت و شکستهایی که در برونمرزها به آن وارد شده،

سرنوشت جمهوری اسلامی را وارد فاز جدیدی کرده است. این شکستها جمهوری اسلامی را از نظر افکار عمومی و مردم ایران بیش از پیش زبون و منزوی کرده است.

برای نسل ما که تجربه انقلاب ۵۷ را پشت سر داریم و حکومتی اسلامی توسط غرب به مردم تحمیل شد، اکنون سقوط بشار اسد با حمایت دولت‌های مرتجع منطقه و دخالت بورژوازی جهانی و به قدرت رسیدن جریان‌های اسلامی در سوریه، تجربه دیگری از تحولی عمیقاً تلخ و ناسازگار با خواست و تمایل عمومی مردم در منطقه و بریدن دست مردم از دخالت در سرنوشت خود، برای مردم ایران که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و خواهان سرنوشتی آن هستند. مردم در ایران سالهاست که با جمهوری اسلامی سر جنگ دارند. جنبشهای اجتماعی هر کدام با خواست و مطالبه خود در صحنه سیاسی ایران حضور دارند. آنچه که مردم نباید به آن امید ببندند، دخالت دولت‌های خارجی در تحولات ایران و تعیین سرنوشت مردم با اتکا به نیروهای راست اعم از سلطنت طلب و غیره است. این را مردم ایران با حضور فعال در صحنه سیاسی جامعه هوشیارانه باید تضمین کنند و اجازه ندهند که با سرنوشتی جمهوری اسلامی، سرنوشتشان به دست دول بورژوازی جهانی و منطقه ای تعیین شود.

سرنوشت مردم و نیروهای سوریه دمکراتیک

نیروهای دمکرات سوریه "قدس" که با تضعیف دولت اسد بعد از اعتراضات مردم در سال ۲۰۱۱ در سوریه بخش عمده شمال شرق سوریه را در اختیار گرفتند و با شکست داعش در سوریه پایگاه خود را

صفحه ۳

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال **آلترناتیو شورایی** در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

خاورمیانه بعد از سقوط دولت دیکتاتور

اسد، سرنوشت جمهوری اسلامی

خود در ابهام به سر می‌برند. چه آینده ای در انتظار مردم سوریه خواهد بود. آیا کشور سوریه در نتیجه اختلافات میان این گروهها و دخالت دولت‌های منطقه به سناریو سیاه شبیه لیبی و عراق تبدیل خواهد شد و یا سیر دیگری طی خواهد کرد.

تحریرالشام که تا قبل از سقوط دولت اسد در لیست جریانات تروریستی قرار داشت، ناگهان آب پاک بر سرش ریخته شد و هیئت‌های دیپلماتیک یکی پس دیگری عازم سوریه شدند. ترکیه که یکی از بازیگران اصلی این تحول غیرانقلابی است، بلافاصله هیئتی امنیتی به سوریه فرستاد و سفارت خود را بازگشایی کرد. قطر که دنبال بازار اقتصادی است، به دنبال و با موافقت دولت ترکیه سفارت خود را همچنین بازگشایی کرد. هیئت‌های دیپلماتیک اتحادیه اروپا برای اینکه از قافله عقب نیفتند، هیئت‌های خود را به سوریه می‌فرستند. همه منتظرند که تحریرالشام دولتش چگونه رفتار خواهد کرد و آیا از نظر اینان حقوق سایر اقلیت‌ها به رسمیت خواهند شناخت تا با آن روابط برقرار کنند. جوانی رهبر تحریرالشام فعلاً برای حسن نیت و جذب دولتهای خارجی در مصاحبه با بی بی سی گفته که ما طالبان نیستیم و از موضع قربانی، تقاضای کمک خواسته و گفته که ما از جنگ خسته شده ایم. تحریرالشام به لحاظ افکار و نئودولوزی کپی طالبان است و در این نباید شک کرد. امروزه هزاران جوان در دمشق در دفاع از سکولاریسم برای آزادی‌های فردی و سیاسی با شعار "ما دیموکراسی خواستیم، نه دینوکراسی" به میدان آمده اند. فردا در محل تجمع امروز جوانان، زنان در اعتراض به سخنان نماینده دولت موقت که گفته "کارهای مشخصی مال زنان نیست" به این سخنان اعتراض خواهند کرد.

اسرائیل که به دنبال ترکیه بیشترین نفع از این تحولات عایدش شده با سقوط یکی از پایگاههای اصلی "محور مقاومت" در سوریه از خلع قدرت استفاده کرده، ضمن اینکه بخشی از خاک سوریه را به اشغال خود درآورده و به کسی جوابگو نیست، پیرومندانه تمام زیرساخت‌های نظامی و آنچه تهدیدی برای اسرائیل در آینده خواهد بود مورد حمله قرار داده است. دولت آمریکا خشنود از شکست جمهوری اسلامی و عقب نشینی روسیه از مواضع تکنونیش در سوریه، خود را یکی برندگان این تحول می‌داند. روسیه که درگیر جنگ طولانی با اکراین است، حضورش را در سوریه به لقاییش بخشید و به امید امتیازاتی در جنگ اکراین و یا توافقاتی که با پوتین صورت گرفته، خاک سوریه را به نفع رقیبش آمریکا ترک کرد.

موقعیت جمهوری اسلامی در نتیجه تحولات تا کنونی

با وجود ناروشنی از آینده خاورمیانه در بطن اوضاع جاری، اما تا کنون بازنده اصلی این تحولات جمهوری اسلامی و محور مقاومت است. با سقوط حکومت اسد عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه با شکست روبرو شد. رژیم اسلامی که در سال‌های گذشته

مرگ بر جمهوری اسلامی!

خاورمیانه بعد از سقوط دولت دیکتاتور

اسد، سر نوشت جمهوری اسلامی

مستحکم کردند، اکنون با سقوط اسد و خلا قدرت، کردستان سوریه به میدان تاخت و تاز و زورآزمایی دولت فاشیست ترکیه با نیروهای دمکراتیک سوریه تبدیل شده است. دولت ترکیه در سال‌های گذشته به بهانه مبارزه با تروریسم، خودبه یکی سازماندهان و پرورش دهندگان تروریسم در منطقه و مسلح کردن ارتش آزاد ترکیه علیه مردم کردستان تبدیل شده و تاکنون صدها جنایت از کشتار و آوارگی مردم در کردستان، بمباران مداوم محل سکونت مردم و نابود کردن زیرساختهای اقتصادی و زیستی مردم کردستان در مناطق تحت حاکمیت احزاب سوریه دمکراتیک، سابقه سیاهی در تحولات سوریه از خود به جای گذاشته است. اکنون با سقوط اسد و دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی، با حمایت از ارتش آزاد ترکیه، فرصت را غنیمت شمرده و تعرض جدیدی را علیه مردم و احزاب کرد سوریه آغاز کرده است.

دولت امریکا در جنگ کنونی که خود را به دروغ حامی احزاب کرد سوریه قلمداد می کند، به نفع دولت اردوغان و به ضرر مردم کردستان عمل می کند و با میانجیگری میان دولت اردوغان و نیروهای کرد سوریه، مناطقی از شمال شرق سوریه همچون منبج و تل رفعت که تا کنون در اختیار نیروهای سوریه دمکراتیک بوده، توسط دولت ترکیه اشغال شده است. کوبانی که تاریخی از قهرمانی و مبارزه جویی علیه داعش را برای خود ثبت کرده، دولت ترکیه چشم طمع به آن دوخته و قصد اشغال آن را دارد. حمایت از مردم کردستان سوریه در مقابل حملات دولت فاشیست ترکیه و سرکوب حقوق و آزادی های مردم که هزینه زیادی برای آن داده اند، بیش از هرزمانی ضروری است. سر نوشت مردم در کردستان سوریه و آینده نیروهای دمکراتیک سوریه، میان عملکرد دولت فاشیست ترکیه و حکومت نوپای اسلامی در دمشق در حاله ای از ابهام قرار دارد. حمایت از مردم کردستان سوریه و نیروهای دمکرات سوریه در مقابل تعرض دولت فاشیست ترکیه به مناطق آزاد کردستان، وظیفه مردم آزادیخواه جهان و احزاب و سازمانهای آزادیخواه و مترقی در جهان است.

تردیدی نیست که بدون حضور فعال مردم در صحنه سیاسی جامعه سوریه در دفاع از آزادی و برابری، هیچ تضمین و چشم اندازی برای آزادی و خوشبختی مردم تحت حاکمیت جریانات اسلامی وجود ندارد. تجربه تحولات نزدیک به یک دهه و نیم و تغییر در ساختار حکومتهای خاورمیانه در تحولات مشهور به بهار عربی از جمله در سوریه این واقعیت تلخ را نشان می دهد. دولتی غیرمذهبی، غیر قومی و سکولار کف همه آزادی های سیاسی، فردی و اجتماعی و برابری حقوق زن و مرد را برسمیت بشناسد و حداقل خواست و تمایل عمومی مردم سوریه است و باید برای تحقق آن تلاش کنند. نباید اجازه داد ایران چنین سرنوشتی پیدا کند.

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴

سردبیر



اطلاعیه دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

در رابطه با درگذشت رفیق فرهنگ لطیفی

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق فرهنگ لطیفی از رفقای قدیمی جنبش کمونیسم کارگری بعد از مدتی بیماری در شهر کاسل آلمان در گذشت. رفیق فرهنگ دوره ای طولانی از کادرهای جنبش کمونیسم کارگری و عضو حزب کمونیست کارگری ایران بود. او انسانی خوش قلب، مهربان و رفیق قابل اتکایی در فعالیت های سیاسی بود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست درگذشت رفیق فرهنگ لطیفی را به خانواده، بستگان و رفقای صمیمانه تسلیت می گوید. یاد او و تلاشش برای تحقق آرمانهای انسانی زنده و گرمی خواهد ماند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ دسامبر ۲۴

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



پتانسیل انقلابی در جامعه پوشالی است. این طرح حتی نمی‌تواند منشأ بسیج حکومت روی یک پلانفرم ادامه کار ضد زن باشد. ادا و اطوارهای نوع پزشکیان در باره این طرح، تنها بروز نگرانی از ظرفیت‌های انفجاری چنین طرح‌هایی و

”خطر“ سرنگونی نظام است. باندهای متفرقه حکومتی برسر هرچه اختلاف خانوادگی و درون طبقاتی داشته باشند، در ضد زن بودن و ارتکاب جنایت علیه زنان در طول عمر منحوس رژیم اسلامی دستجمعی شریکند.

زنان و مردان انقلابی، کارگران، مردم آزادیخواه

طرح جدید ”حجاب و عفاف“، درست مانند شوک های اقتصادی و گرانی افسار گسیخته نان و برق و بزودی گاز و بنزین، هدفی جز حمله به جامعه و بقای نظام اسلامی ندارد. این طرح امنیتی و فاشیستی را توی صورت طراحان و مجریان آن بکوبید. این امری صرفاً مربوط به زنان نیست، یک پروژه سرکوب مبارزه انقلابی در جامعه و پیشاپیش آن زنان شورشی و شجاعی است که از گورکنان نظم آپارتاید اسلامی اند. طرح ”حجاب و عفاف“ و تشدید فقر و فلاکت اقتصادی، دو رکن سیاست رژیم برای بقا است.

هر مبارز و انقلابی، هر جنبش آزادیخواهانه، ضروری است در مقابل تلاشهای مذبوحانه رژیم اسلامی بایستد. نه تنها باید این طرح را همراه با طراحانش دفن کرد، بلکه با تشدید مبارزه انقلابی، با حجاب سوزان و الغای جداسازی جنسیتی، با هجوم توده ای به نیروهای سرکوبگر ضد زن، با حمایت و همبستگی با زنان انقلابی، با دفاع قاطع از لغو حجاب و قوانین مترتب به آپارتاید و تبعیض و نابرابری، در نطفه سیاست رژیم اسلامی و طرح ”حجاب و عفاف“ را درهم شکنیم! دوره جمهوری اسلامی به سر رسیده است، شماها در موقعیت تحمیل چنین قوانینی نیستید، بهتر است به فکر تهیه سوراخ موش باشید. این خاکریز پوشالی را هم قاطعانه درهم میکوبیم!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، کارگران و جنبشهای پیشرو در جامعه، مردم انقلابی و نسل جوان در دانشگاه ها و سراسر کشور را به یک مقابله فعال با سیاستهای سرکوبگرانه و ضد زن جمهوری اسلامی فرامیخواند!

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۳ آذر ۱۴۰۳- ۳ دسامبر ۲۰۲۴

اعلامیه حزب حکمتیست

طرح ”حجاب و عفاف“ مرده به دنیا آمده است!

این خاکریز پوشالی را هم قاطعانه درهم

”طرح حجاب و عفاف“ بعد از دوره ای رفت و برگشت در دالانهای حکومت آدمکشان ضد زن اسلامی بالاخره تصویب شد و برای اجرا به نهادهای سرکوبگر امنیتی و نظامی واگذار شد. تقابل بیوقفه با زنان ویژگی رژیم زن ستیز اسلامی است و از همان ابتدای به قدرت خیزدش برای سرکوب انقلاب ۵۷، با فرمان حجاب اسلامی و قوانین ناظر بر یک آپارتاید جنسی وارد صحنه شد. اما طی چند دهه سرکوب و مقاومت، زنان مرتباً رژیم را عقب رانند. شمسئله زن یک سوال همیشگی و حی و حاضر در زندگی روزمره جامعه ایران بوده است. هر زمان رژیم اسلامی با تشدید بحران و تناقضات درونی روبرو است، سرکوب زنان را به صدر سیاست و اولویت تبلیغاتی خود میراند. کشمکش دائمی برسر مسئله زن در ایران عموماً و تقابل با گسترش بی حجابی و ”بد حجابی“ خصوصاً، یک بارومتر تشخیص اوضاع سیاسی ایران و یک مشخصه رابطه مردم و حکومت بوده است.

”طرح حجاب و عفاف“ ماهیتاً ادامه همان طرحهای شکست خورده پیشین است اما در شرایط ویژه ای و با اهداف مشخص تری بجلو رانده شده است. جمهوری اسلامی از خیزش انقلابی زنانه و حجاب سوزان شهریور ۱۴۰۱ جان بدر برده است. هنوز شعله های خشم این نبردها زبانه میکشند و اراده نابودی جمهوری اسلامی قوی است. درعین حال طرح کنونی ویژگی منحصر به فردی دارد که ردالت رژیم و سیاست‌هایش را برملا میکند. این طرح شبیه طرح ”مالک و مستاجر“ در دوره سرکوب انقلاب ۵۷ است که رژیم برای تعقیب و به دام انداختن مخالفین سیاسی، مالکین منازل را وادار به نوعی همکاری امنیتی میکرد. حال که نیروهای متفرقه ارتش ضد زن اعم از گشت ارشاد و پلیس و نیروی انتظامی و حجاب بان و دستجات آتش به اختیار ”امر به معروف و نهی از منکر“ جمیعاً از انقلابیگری و آزادیگری زنان شکست خوردند؛ میخواهند از راننده تاکسی و اتوبوس تا صاحب مغازه و رستوران و هر محل عمومی را، با اهرم جرمه های سنگین، وادار به همکاری با رژیم علیه زنان کنند. جرمه های غیرقابل پرداخت برای زنانی که به حجاب اسلامی تن نمیدهند، تلاش برای تشدید تنگنای اقتصادی مردم و از این طریق تبدیل آنها به ابزار مقابله با زنان، هسته اصلی سیاست کثیف رژیم اسلامی در طرح جدید ”حجاب و عفاف“ است.

اما شکست این طرح، مانند طرح های پیشین رژیم محتوم است. این را عزم راسخ زنان و نسل جدید و جنبشهای پیشرو جامعه تضمین می کنند. رژیم اسلامی و حجاب بعنوان لوگوی نظام آپارتاید جنسی، در ذهنیت جامعه و زندگی روزمره مرده است، طرح جدید نیز مرده به دنیا آمده است. زنان و جامعه جوان ایران یوغ اسلام و توحش اسلامی را قبول نمیکنند. این خاکریز در مقابل اراده عظیم زنان و

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



کنند. باید اضافه کرد که زمین سیاست برای طرفین درگیر نه یکسان است و نه طرفین از امکانات مشابهی برخوردارند.

آلترناتیو بورژوازی

راه حل بورژوازی برای بعد از جمهوری اسلامی ماهیتا با راه حل‌های تاکتونی اش مبنی بر ایجاد تغییراتی در درون رژیم و سازگاریش با دنیای بیرون تفاوت عمده ای ندارد. در تلاش‌های قبلی عنوان میشد که فضای فرهنگی بدرجه ای گشوده شود، رابطه با آمریکا و غرب بازسازی شود، جمهوری اسلامی به جامعه جهانی بازگردد، رژیم اسلامی از تروریسم و چوب لای چرخ گذاشتن سیاست‌های غرب در منطقه دست بردارد، ملزومات امنیت سرمایه و سرمایه گذاری و صدور سرمایه و انتقال تکنولوژی فراهم شود و دورنمای یک گشایش اقتصادی و فعالیت در بازار جهانی گشوده شود. جمهوری اسلامی از دوره رفسنجانی تاکنون تلاش‌هایی در جلب سرمایه و تسهیلات سرمایه گذاری با تهاجم به موقعیت طبقه کارگر و حقوق ناچیزش انجام داده است. اما اقدامات اقتصادی رژیم اسلامی در قیاس با نیازهای بازسازی سرمایه داری ایران ناچیز محسوب میشوند و مهمتر پاسخگویی به ریشه های سیاسی بحران اقتصادی، یعنی پوست انداختن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی هیچگاه در ظرفیت این حکومت نبوده و نیست. آلترناتیو بورژوازی در شکل اولیه اش بر این فرض مبتنی بود که طی چند مرحله پوست انداختن جمهوری اسلامی با حکومتی روبرو هستیم که با شکل اولیه اش شباهتی نخواهد داشت. یعنی حکومت اسلامی پروسه ای را آغاز میکرد که نیروهای دیگری از طبقه بورژوازی آنها به پایان میبردند. این پروسه شکست خورد اما هدف آن سرجای خود باقی است. آلترناتیو بورژوازی شامل بورژوازی بیرون حکومت و بورژوازی بین المللی، در پروسه آلترناتیو سازی اهداف کمابیش یکسانی را تعقیب میکنند. پیاده کردن این هدف می تواند اشکال مختلفی بخود بگیرد.

چنین حکومت فرضی، مستقل از اینکه چقدر دوام خواهد آورد؛ نفس پروسه تثبیت اش با چه معضلاتی روبرو است؛ چه جنایاتی باید در این راه بکند و از روی چه کسانی و چه جنبش‌هایی باید رد شود؛ ماهیتا حکومتی مبتنی بر اختناق و تبعیض و نابرابری خواهد بود. ارتجاعی که اینبار در زوروق "جمهوری"، "دمکراسی" و "حقوق بشر" بسته بندی میشود. چنین حکومتی با هر ترکیبی، با هر وعده و وعیدی و با هر رنگ پرچم و تابلویی، نه می خواهد و نه میتواند به مسئله فقر جواب دهد، نه به مسئله آزادی و برابری. نه کاری به فعال مایشائی مذهب و قدرت نهادهای مذهبی دارد، نه میتواند به سوالات اجتماعی از قبیل اعتیاد، تن فروشی و فلاکت اقتصادی پاسخ دهد. نه میتواند تحمل آزادیهای سیاسی و ایجاد سازمانهای کارگری و فعالیت آزادانه کمونیستها و احزاب سیاسی را داشته باشد، و نه به اساس مختصات سرمایه داری در چنین کشورهایی که مبتنی بر استثمار نیروی کار ارزان و دیکتاتوری عریان است حتی خراشی وارد خواهد کرد. آلترناتیو بورژوازی بعد از جمهوری اسلامی، مستقل از تغییرات جزئی و اجتناب ناپذیر آن برای تحمیل به مردم، در اساس با ارتجاع اسلامی تفاوتی ماهوی نخواهد داشت. ارتجاعی که

صفحه ۶

جدال آلترناتیوها؛ سوسیالیسم یک انتخاب است!

سیاوش دانشور

جامعه هشتاد میلیونی ایران با معضلات پیچیده اجتماعی بیشماری روبروست. مسائلی مانند فقر، بیکاری، اعتیاد، تن فروشی و محصولات جانبی آن شاخص هائی برای محک زدن توان یا عدم توان جنبش ها و نیروهای سیاسی مدعی قدرت هستند. در کنار این معضلات بزرگ باید به اختناق و پایه مادی آن و نیازی که اختناق و دیکتاتوری عریان را بازتولید میکند، به قوانین و مناسبات حقوقی و اجتماعی مبتنی بر تبعیض و نابرابری، و به شبکه زندانها، دادگاهها و ارگانهای متفرقه سرکوب که این مجموعه را پاسداری میکنند، نیز اشاره کرد. این مسائل از جنبشهای اجتماعی مختلف پاسخ های متفاوتی میگیرند. بعلاوه، مسئله زن در جامعه ای که نفس زن بودن در آن جرم است؛ مسئله مذهب در جامعه ای که نظام حاکم در آن منبعث از مذهب است و مردمش دل خونی از نهادها و باندها و مافیای مذهبی دارند؛ و خواست آزادی و برابری و رفاه که در طول تاریخ به واژه های مقدسی در فرهنگ سیاسی مردم بدل شده است؛ از جنبشهای اجتماعی مختلف پاسخ های متفاوتی میگیرند. و بالاخره باید از مسائل خود ویژه و سوالات محوری که در هر جامعه در حال تحول رنگ خود را به کلیت مبارزه و کشمکش سیاسی و طبقاتی میزنند، نام برد. مسائلی مانند بافت جوان جامعه ایران و کشمکشی دائمی بین گذشته و آینده، خطر جنگ و ویژگیهایی که سیاست و تحول سیاسی در دوران جنگ میتواند بخود بگیرد، عنصر استیصال و امید در روانشناسی اجتماعی و نقشی که بعنوان نقطه مساعد یا نامساعد برای این و یا آن جنبش سیاسی میتواند ایفا کند.

سیاست در ایران و کشمکش برسر قدرت سیاسی نه مسابقه ملکه زیبایی است، نه صرفا عوامفریبی و شعبده بازی سیاسی بورژوازی. نه قسم خوردن به آرمانها و عقاید درست است، و نه قرار است تاریخ طی پروسه ای حقانیت خود را بطور اجتناب ناپذیری تحمیل و دیکته کند. این جنگی واقعی است که باید به نفع این و یا آن طبقه متخاصم اجتماعی خاتمه پیدا کند. همانطور که تاکنون جمهوری اسلامی با جنگ روزمره با مردم و مخالفین اش سر پا مانده است، همانطور که هیچ حکومتی با زبان خوش قدرت را به مردم و طبقه کارگر واگذار نمیکند، آینده ایران و حکومت آتی نیز از دل یک مجموعه پیچیده سیاسی و یک کشمکش حاد عبور میکند. نه فقط تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بلکه رقم زدن آینده جامعه ایران و سرنوشت نسلهای متمدنی و کودکانی که امروز بدنیا می آیند، در گرو وارد شدن به کشمکش و مبارزه ای حاد و پیچیده برای گرفتن قدرت سیاسی، برای نگهداشتن قدرت، و برای سازمان دادن جامعه ای انقلابی و آزاد و مرفه است که با کل میراث گذشته ارتجاع و اختناق تعیین تکلیف کند. جنگ برسر آلترناتیوها و تحركات نیروهای اپوزیسیون ایران در این چهارچوب معنی دارد. چهارچوبی که تحت شرایط معین منطقه ای و جهانی به سمت تعیین تکلیف نهائی میرود و همه نیروهای درگیر را به تحرك واداشته است. جنگ و کشمکش میان نیروهایی که میخواهند به عناوین مختلف گذشته و وضع موجود را بازسازی و مرمت کنند و نیروهایی که تلاش دارند کل وضع موجود را به طرق انقلابی زیر و رو

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

جدال آترناتیوها!...

باشند.

مسئله امروز اپوزیسیون کمونیستی کارگری و اردوی انقلابی و آزادیخواه صرفا افشای این نیروها نیست. بدون تردید باید ماهیت ضد انسانی، ضد کارگری، ضد جامعه این جریانات دست راستی بیوقفه افشا گردد. باید این نیروهای ارتجاعی را در صحنه سیاسی ایزوله کرد. سوال اما شکست سیاسی آنها در پروسه ای است که قرار است برای چند دهه متمادی سرنوشت دهها میلیون انسان را رقم بزند. سوال وارد شدن همه جانبه به جنگی است که در خانه همه را میکوبد و سرنوشت این جنگ تعیین میکند که سهم انسان امروز و نسلهای فردا از آزادی و زندگی و حرمت چه باشد. به این اعتبار، در این دوران ویژه و پیچیده، باید آترناتیو کارگری قد علم کند.

اولین مشخصه این آترناتیو اینست که ایران چلیبی و غنوشی و طنطاوی نمیخواهد. مردم و طبقه کارگر و کمونیستهای ایران این پروژه های آترناتیو سازی را با عزمی جزم شکست خواهند داد. دومین مشخصه ایندوران پیچیده اینست که کمونیسم کارگری و طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی در صورت تحمیل آترناتیو دست راستی و سرهم بندی شده صحنه را واگذار نخواهند کرد. نه در این راه و رسم شریک میشوند، نه آنرا برسمیت میشناسند و نه در مقابل آن سکوت میکنند و در صورت تحمیل آن وارد جنگ برای سرنگونی چنین حکومتی خواهند شد. و بالاخره اینها هنوز کافی نیست. هنوز اعلام مخالفت و اعلام تقابل و اعلام جنگ با خود جنگ فرق دارد. ما نمیتوانیم به بورژوازی برای بقدرت رسیدنش انتقاد کنیم. ما نمیتوانیم به کودتاچی ها برای عمل کودتا انتقاد کنیم. ما نمیتوانیم به بورژوازی درس اخلاق و فرهنگ سیاسی بدهیم. اینها عمری روزه "تمرین دمکراسی" و "نلرانس" خواندند و حالا بنا به ماهیت واقعی شان سر از دالانهای پنتاگون و سالنهای بند و بست علیه مردم ایران درآوردند. بورژوازی ماهیتا همین است، توهمی نباید داشت. باید در مقابل جنگ آنها علیه طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم، جنگ خود را سازمان دهیم. باید در مقابل آترناتیو بورژوازی، آترناتیو کارگری را بگذاریم. جنگ آترناتیوها گوشه ای از مبارزه طبقاتی در دوران امروز است و سوسیالیسم انتخابی شیرین و معقول است که میتواند ارتجاع هار بورژوازی در ایران و در منطقه و جهان را سرچایش بگذارد. باید مسئله را به همین وسعت، سوال را به همین بزرگی، پیچیدگیهای دوره را همانطور که هست درک کرد و به تقابلی اجتماعی و طبقاتی فراخوان داد.

جامعه انقلابی و آستن تحول نیازمند کمونیسم است. ما اعلام میکنیم که کمونیستها و سوسیالیستها و طبقه کارگر میتوانند در این نبرد پیروز شوند و باید در گام اول قدرت را بدست گیرند. باید در جدال برسر قدرت سیاسی سر راست و در مقیاس جامعه تلاش کرد. سوسیالیسم آترناتیو ماست. سوسیالیسم عملی است، سوسیالیسم ممکن است، سوسیالیسم ضروری و مبرم است، در نبرد برای بگور سپردن جمهوری اسلامی باید زیر پرچم سوسیالیسم و آترناتیو کارگری متحد شد!

۱۹ خرداد ۱۴۰۲

توسط پنتاگون و ائتلاف ناتو سر کار بیاید با اسلاف خود در منطقه از جمله در عراق و افغانستان و لیبی و غیره تفاوت چندانی نخواهد داشت.

آترناتیو کارگری

ما بعنوان کمونیست کارگری، بعنوان گرایش رادیکال طبقه کارگر و جامعه، همواره راه حل مان در تقابل با بورژوازی یک حکومت سوسیالیستی است. این راه حل امروز از یونان تا اسپانیا و از ایران تا مصر و در کل جهان سرمایه داری تنها راه واقعی آزادی و رفاه و سعادت اکثریت عظیم مردم است. حتی بورژواها در جامعه سوسیالیستی با کار و زندگی شرافتمندانه میتوانند به آدمیت خود برگردند. اما این آترناتیو در شرایط مشخص معنی ویژه و کنکرت خود را دارد و میتواند و باید بعنوان راه حل واقعی رفع اوضاع کنونی و کلیه معضلاتش عروج کند. تغییر جمهوری اسلامی میتواند به طرق مختلفی عملی شود. کودتا، بند و بست از بالا، جنگ امپریالیستی، جنگ انقلابی، قیام توده ای و انقلاب کارگری همه میتواند راههای تغییر رژیم کنونی باشد. مسئله اینست که راه حل راست و بورژوائی به حکومتی از همین دست ختم میشود و راه حل کمونیستی و کارگری میتواند به حکومتی تماما متفاوت و جامعه ای آزاد منجر شود.

بحث ما اینست که جدال برسر آترناتیوها و تلاش برای جایگزینی جمهوری اسلامی در اساس جنگی برسر قدرت سیاسی میان جنبشهای متخاصم و متمایز اجتماعی و طبقاتی است. این جنگ در دوره های بحران حاد میشود و ویژگی آنها مشخصات دوره های بحرانی و انتقالی تعیین میکند. اما نفس جنگ ماهیتا همان است. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و به طرق انقلابی برای بزیرکشیدنش تلاش و مبارزه می کنند. مردم از این حکومت و سلب زندگی عادی و هویت فردی و اجتماعی و سلب هویت از نصف جامعه یعنی زنان به تنگ آمده اند. مردم از فشار فقر و فلاکت و گسترش جنایت و تن فروشی و اعتیاد و فروش اعضای بدن و کمبود پایه ای ترین مایحتاج زندگی خود به تنگ آمده اند. مردم از زورگوئی و باجگیری و سرکوب و اعدام و زندان و تحقیری که روزمره بر آنها اعمال میشود به تنگ آمده اند. اکثریت عظیم مردم، طبقه کارگر، اکثریت عظیم زنان و نسل جدید میخواهند زندگی کنند، آزادی میخواهند، حرمت میخواهند، حقوق میخواهند، رفاه میخواهند، آینده میخواهند و بورژوازی اسلامی نمیگذارد. اساس نقد بورژوازی اپوزیسیون به رژیم اسلامی دردهای بیشمار مردم و کارگران و محرومان در جامعه ایران نیست. مشکل آنها رابطه شان با قدرت، جایگاه شان در نظام سرمایه داری کنونی، تعریف مناسباتی مبتنی بر دادن حق آنها از کل استثمار طبقه کارگر و ثروتهای باد آورده، و شریک شدن شان در بساط لفت و لیس کنونی است. کل راه حلهای این بورژوازی و مشغله های سیاسی شان چیزی جز این نمیگوید. کسانی که روزی پشت خامنه ای و روزی پشت سر این و یا آن بخش حکومت جنایتکار اسلامی اند و امروز پشت در پارلمانهای دول غربی در انتظارند، نمیتوانند مبشر یک ذره آزادی برای مردم

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

لایحه عفاف و حجاب تعجیل در تصویب، وحشت از اجرا!

ملکه عزتی

بیش از یک ماه است سه قوه حکومتی در رابطه با لایحه ای به نام حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب که اختصاراً لایحه حجاب و عفاف نام گرفته علیه همدیگر شاخ و شانه میکشند و رجزخوانی میکنند.

این لایحه ۵ فصلی و ۷۲ ماده ای در مجلس حکومتی به تصویب رسیده که در ۴۵ سال گذشته مدعی بوده مردم خواهان زندگی بر مبنای قوانین دینی هستند و این شیوه زندگی را آزادانه و بدون سرکوب و خشونت انتخاب کردند! ۷۲ ماده فقط جهت دخالت دادن همه ارگان‌های سرکوب و بسیج مزدوران لات و لمپن حکومتی و قانونی کردن فشار و تهدید بیشتر علیه زنان و انتخاب شخصی نیمی از جامعه.

بعد از چهار و نیم دهه سرکوب، اعدام، خشونت و کنترل زندگی خصوصی انسان‌ها و به گلوله بستن هر صدای مخالفی امروز با لایحه ای سرگردان در راهروهای دولت و مجلس روبرو هستند که قرار است زندگی انسان‌ها را بر اساس "فرهنگ دینی" متعالی کند اما مهم ترین عنصر گسترش تعالی دینی و فرهنگ اسلامی در این لایحه جریمه های سرسام آور مالی و فشار و سرکوب همه جانبه در عرصه عمومی و خصوصی زندگی مردمی است که یک تلنگر کوچک هم می تواند باعث انفجار عمومی علیه کل دستگاه حکومت شود.

در همه این سالها که جامعه در اسارت عده ای قاتل و آدمکش بوده در بیرون مرزها در بوق و کرنا کردند که الگوی زنان در ایران فاطمه و زینب و ... است و حکومت هم تلاش دارد همه فاکتورهای موجود در این "انتخاب" را برای تسهیل این خواسته فراهم کند. بیشترمانه ترین ادعایی که مردم در طول این سالها در هر جا و هر زمانی که ممکن بود علیه آن ایستادند و انجا که توازن قوا ممکن شد با اعتراضات عظیم خیابانی به آن جواب دندان شکنی دادند و رودرروی حاکمیت با تمام توان فریاد زدند حکومت اسلامی نمیخواهیم.

امروز و بعد از نزدیک به نیم قرن در عجز و ناتوانی خارج از تصور میبینند نه تنها موفق نشدند فرهنگ دینی مورد ادعایشان را در میان مردم معترض در جامعه اشاعه دهند بلکه در مقابل موجی از تنفر و خشم اکثریت جامعه روبرو هستند. شکست جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و ناتوانی در حل معضلات متعدد داخلی حتی در جوک و شوخی روزانه مردم بازتاب دارد. میگویند همه با هم لباسهایمان را اتو بزینم دولت فرومیپاشد! اشاره است به معضل برق و انرژی که این روزها مردم را بشدت خشمگین کرده!

و اما لایحه عفاف و حجاب که به معضل سه قوه تبدیل شده چه میگوید و چطور میخواهد "بنیان خانواده" را متحول کند؟ روزی که سران قاتل این حکومت با ضرب و شتم و تهدید به اخراج در

دانشگاه و ادارات حجاب اسلامی را بر سر زنان کردند یک هدف مشخص داشتند. بلند کردن بیرق اسلام سیاسی که حجاب یکی از مهمترین نمادهای روبه بیرون آن بود. حجاب برای این حکومت تنها یک تکه پارچه بر سر زنان نبود، موازین و معیارهایی باید رعایت میشد که نشانگر مبانی فکری و ایدئولوژی حکومت بودند. نمادی که نشان دهد این سیستم در همه رده های زندگی خصوصی و عمومی کل جامعه و خصوصاً در عرصه زنان یک سیاست و نگرش قوی ضد زن را با خود یدک میکشد و قصد نهادینه کردن آن را دارد. در مقابل زنان هم قدم به قدم در مقابل این سیاست ایستادند و جمهوری اسلامی هیچ زمانی موفق نشد بطور کامل این سیاست را اجرا و پیاده کند. سرپیچی کردن از قوانین حکومت اسلامی همیشه بخشی از زندگی مردم بوده، از ماهواره تا نوع لباس و رنگ و شادی های گاه به گاه مردم همواره در تقابل با قوانین عصرحجری حکومت ایستاده اند و هزینه آن را هم پرداخت کردند. ۷۲ ماده این لایحه توسط یکی از منفورترین و مرتجع ترین عناصر ضد زن حکومتی به نام مرتضی آقا تهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس تنظیم شده و با تعجیل مهر تصویب خورد. اما دولت این حکومت جرات ابلاغ آن را ندارد! قدرت مردم را شناخته اند، لمس کرده اند و میدانند در مقابل خروش مردمی که ۴۵ سال است زیر بار فقر و فلاکت زندگی کرده اند دوام نخواهند آورد. مجلس به تصویب رسانده که قافیہ را نبازد دولت ابلاغ نمیکند چون جرات ابلاغ را ندارد، میگویند میترسیم این لایحه خلاف آنچه که هدف و منظور اصلی است عمل کند! این عملاً بیان در لفافه "با اعتراضات عظیم جامعه روبرو میشویم است" این بیان ناتوانی کل دستگاههای حکومتی از مجلس و دولت و قوه قضاییه است. این بیان درماندگی مهره شارلاتانی به نام رئیس جمهور دولتی است که از فرط بی افقی و سراسیمگی هر روز تاریخ ابلاغ این ننگ نامه را به تعویق میندازد.

خارج از اینکه در هر ۷۲ ماده این لایحه ضدیت با زنان و آپارتاید جنسی بطرز چندش آوری موج میزند، اما همزمان این لایحه اثبات شکست همه سیاستهایی است که در طی ۴۵ سال در دولت‌های مختلف هم تصویب و هم اجرا و ابلاغ شده. همه مواد مندرج در این لایحه ادامه سیاست های عهد عتیقی جداسازی بر اساس جنسیت در طول حیات جمهوری اسلامی از مدارس و دانشگاه تا اتوبوس و پارک و امکان تفریحی است. نزدیک به نیم قرن است این سیاستها در جامعه جاری است و مردم به این قوانین نه تنها واقعی نگذاشتند بلکه علیه آنها اعتراض علنی کردند. روسری آتش زدند، عمامه پراندند و کلیت این نظام و قوانینش را به چالش کشیدند. تمام محتوای این لایحه در طول این سالها چه با تصویب چه بی تصویب روزانه برای زنان مزاحمت ایجاد کرده، مورد خشونت و توهین قرار داده اما زنان تن ندادند. کنسرت برگزار میکنند، درامکان عمومی بدون حجاب حضور دارند، در مقابل تذکر گشت ارشاد و جانپان ضد زن شجاعانه و بی پرواتر از همیشه میایستند و کل بنیادهای اقتدار این حکومت را به چالش میکشند. سران جانی حکومت ادعا میکنند اجازه نمیدهیم برهنگی در جامعه به نرم تبدیل شود از حریم خانواده حفاظت میکنیم، مردم از ما میخواهند جلو ناهنجاری های اجتماعی بایستیم. روشن است این کف چرانی ها حتی در میان محافل نزدیک به حکومت هم خریداری ندارد. همه میدانند سبک زندگی مردم در جامعه چند صد سال نوری با خواست و خیالبافی های این دایناسورها فاصله دارد. فاصله و تفاوت عمیق نگاه مردم و حاکمیت دیگر بر خودی های حکومتی هم پوشیده نیست. زبان تعدادی هم به انتقاد باز شده، میگویند اگر در سیاستهای حاکم و قوانین موجود تعدیلی ایجاد نشود همه بر باد رفته ایم.

که یک حرکت همبسته و متحدانه بنیاد آن را در هم خواهد شکست. در مقابل این حجم از نابرابری اقتصادی و بیحقوقی اجتماعی، حرف آخر را مردم رنج‌دیده و محرومی خواهند زد که دهها سال زیر بار یک سیستم بنا شده بر سرکوب برای برخورداری از شادی و رفاه خوشبختی و یک زندگی شایسته انسانی هر روز در عرصه‌های متعددی مبارزه کردند و هنوز هم حضور خود را روزانه به حکومت اعلام میکنند

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴



مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیستف قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالکیت میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام می شود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکنند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست. این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است. و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپنی های سودجو مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا می گذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸ در باره مبارزه با

مذهب صفحه ۱۰

لایحه عفاف و حجاب تعجیل در تصویب، ...

برای ما و همه کسانی که سابقه بیش از ۴ دهه مبارزه علیه کلیت این حکومت را در تاریخ خود دارند پر واضح است که قوانین مندرج در لایحه سرگردان حجاب و عفاف در راهروهای دولت و مجلس حاوی هیچ بندی نیست که حکومت تا به امروز اجرا نکرده باشد. همه این راهها را رفتند و هر نوع سرکوب و خشونت را که میتوان تصور کرد علیه زنان اعمال کردند. گرچه امروز با آهن و تلب این لایحه را به مثابه "تحکیم بنیاد خانواده" در بوق و کرنا کردند از بندهای جدید این لایحه تصویب جریمه های سرسام آورنقدی و کسب درآمد از این طریق است و بند دیگر مکتوب کردن جدایی سازی جنسیتی است. همانطور که بیماران واگیردار را از دیگر بیماران جدا میسازند جمهوری اسلامی هم از حضور زنان در پارکها و امکان تفریحی و گردشگری که برای مردان در نظر گرفته شده ممانعت میکند. همه هنر جمهوری اسلامی بعد از این همه سال کماکان کپی خط خورده ۴۰ سال پیش است که در مصاف با زنان و مردان آزادیخواه مجبور به عقب نشینی شده. آنچه که این لایحه میگوید ادامه سیاست سرکوب و ایجاد رعب و وحشت همیشگی و امتحان پس داده گذشته است که یکبار دیگر در مقابل عصیان زنان علیه حکومت دوباره امتحان میشود و حکومت در اجرای آن ید طولانی دارد. جمهوری اسلامی و نهادهای سرکوب هیچ زمانی بدون اعمال خشونت وحشیانه قادر به پیشبرد هیچ پروژه و مصوبه ای نبودند. از روزه و نماز باشلاق، تا افزایش جمعیت با فشار بر زنان و انتخابات با ترسند و تظلمی و تقلب همه نمونه های بکارگیری روشهای متداول در جمهوری اسلامی است.

جنگ و جدال مجلس و دولت بر سر ابلاغ و اجرای این لایحه به کجا میکشد فعلا معلوم نیست. احتمالا با جرح و تعدیل هایی دولت ابلاغیه بدهد یا فعلا آن را مسکوت بگذارند تا شاید فرجی شود و گشایشی در کلاف سردرگم حاکمیت پیش بیاید. برای مردم اما سرنوشت این لایحه از همان زمان تصویب معلوم بود ایستادن در برابر باجگیری حکومت و تسلیم نشدن در مقابل یک دور دیگر از فشار و سرکوب وحشیانه و ادامه روندی که از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ تا به امروز سیر تغییر و تحول عظیمی را در جامعه رقم زده.

جنگ مابین مردم محروم جامعه با کل این حاکمیت به قدمت قدرتگیری جمهوری اسلامی از ابتدا تا امروز است. اما علیرغم سرکوب و وحشیگری مداوم، جمهوری اسلامی یک روز را بدون مواجهه با چالش های جدی از طرف مردم معترض از سر نگذرانده، این واقعیت را خود رژیم اسلامی بیش از هر کسی میشناسد و تجربه کرده. از همین رو است که پزشکیمان و دولتش از طرف مجلس و بقیه عوامل حکومتی تحت فشار جدی برای ابلاغ این لایحه قرار نمیگیرند، هر چند رسانه های حکومتی آتش این جنگ زرگری را رو به جامعه مدام باد میزنند. این لایحه ابلاغ شود یا در آرشیوهای عریض و طویل مجلس و دولت خاک بخورد در برای مردمی که خواهان سرنوشتی کل این حکومت هستند فرق چندانی ندارد، الترناتیو موجود مبارزه و تن دادن به قوانین ضد انسانی و ضد زن موجود است.

این حکومت چه با ریسک قبول ابلاغ لایحه حجاب و عفاف چه با اتو زدن همزمان مردم در یک روز چنان مستاصل و دستپاچه خواهد شد

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



سطح جهان تکان داده است. با این وصف جریانات راست پروغرب امثال سلطنت طلبان و جمهوریخواهان پروغربی و فدرالیستها و کسانی مثل رضا پهلوی ها و سازگاراها و مهتدی ها خواستار ادامه این جنگ و تروریسم و قتل عام جمعی در جغرافیای ایران هستند. امیدوارند طی پروژه رژیم چنج آمریکایی اسرائیلی به نان و نوا و حاکمیت برسند. این جریانات بی ربط به جامعه

و بیگانه با خیزش مبارزاتی مردم، نمیخواهند قبول کنند، در جامعه ایران پرتپش مبارزاتی رادیکال به آسانی نمیتوانند سناریوی جایجایی قدرت از بالای سر مردم را پیش ببرند. یکبار دیگر و برای چندمین بار ناکامی را تجربه میکنند.

عبدالله مهتدی پرنسیپ سیاسی جافتاده ای ندارد. یا بهتر بگوییم عنصر بی پرنسیپی است که همانند همه عناصر اپورتونیست، مصلحت روز ضربدر منفعت فردی قطب نمای حرکت او را شکل میدهد. محاسبه گریهای سیاسی نازل و کوتاه بینانه، تنظیم قطب نمای سیاسی منطبق با دخلتهای ضد مردمی دولت آمریکا و متحدانش در تحولات منطقه و در ایران، براین اساس از این "فرصت" به آن "فرصت" حرکت کردن و "فرصت طلبی" مشتمل کننده و عمدتاً شکست خورده خصلت اصلی کاراکتر سیاسی سیال این فرد است. در پیچ و خم تحولات سیاسی به دور از هر پرنسیپی دنبال پیدا کردن "دوستان حال و آینده" است. بیاد داریم سال ۱۹۹۱ در جنگ خلیج اول به دنبال مبارانها و موشک بارانهای ارتش آمریکا به دلیل اشغال کویت توسط دولت عراق و همزمان تخریب جامعه عراق و عروج ناسیونالیسم در کردستان عراق، بر هژمونی طلبی ارتجاعی نظم نوینی امپریالیسم آمریکا و همه مصائب تحمیل شده بر مردم عراق چشم بست به جستجوی "دوستان حال و آینده" در میان ناسیونالیسم کرد و مشخصاً اتحادیه میهنی رفت. از آن دوره به بعد بند ناف خود را با چپ گرایی و کمونیسم برید. مشخصاً بعد از دست بردنش به توطئه موسوم به "جعبه سیاه" علیه همقطارانش در رهبری کومه له و افتضاحات دیگر در سال ۲۰۰۰ با جدا کردن گروه بدنام خود از حزب کمونیست ایران و کومه له در قهرمنجلاب ناسیونالیستی قرار گرفت. از آن مقطع تاکنون در تحولات سیاسی مربوط به ایران همواره با راست ترین ائتلافها و سیاه ترین پروژه ها همراهی کرده است. حمایت بی اما و اگر از سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی و گزینه نظامی آمریکا در تحولات ایران از دوره بوش پسر تاکنون، حضور در ائتلافهای ارتجاعی و البته بی خاصیت و کارتنی چون "کنگره ایران فدرال"، "شورای مدیریت گذار" و از آنها پوچتر "ائتلاف جرج تاون" در رکاب رضا پهلوی و مسیح علیزادهها تنها گوشه هایی از جست و خیزهای نفرت انگیز مهتدی شکست خورده است. این بار نیز همین عاقبت در انتظار او و همپالگیهایش است.

۲- عبدالله مهتدی دروغ میگوید!

مهتدی محور فراخوان ضد کمونیستی اش را بر وارونه کردن این واقعیت بنا کرده که میگوید "حزب کمونیست ما را تکه تکه کرد". مهتدی خود بهتر از هر کسی میداند این یک دروغ آشکار است. ایجاد

صفحه ۱۰

همزمانی پیام به ترامپ راسیست و فراخوان آنتی کمونیستی با کدام هدف؟

(چرا عبدالله مهتدی رسماً دروغ میگوید)

رحمان حسین زاده

عبدالله مهتدی عنصر معلوم الحال و آبرویخته در اجتماع سازمانی جریانش تحت نام "کنگره" طبق روش ریاکارانه شناخته شده او در پیامی خطاب به "طیف کومه له مورد نظرش" اعلام کرده حزب کمونیست ایران و کمونیسم باعث "تکه تکه شدنمان شد، دوباره متحد شویم". پاسخ منفی تعداد قابل ملاحظه ای از همان عناصر و فعالین مورد خطاب او بی پایگی این فراخوان و بیمایگی فراخوان دهنده را برملا کرد. از جمله خیلی ها اتفاقاً از افرادی که در همین یکی دو دهه اخیر در صفوف سازمان زحمتکشان سیاستها و روشهای توطئه گرانه مهتدی را تجربه کرده اند، به سرعت دست رد به سینه مهتدی زدند و در یک جمله گفتند "شما توطئه گر و قابل اعتماد نیستید". علیرغم بی اعتباری این فراخوان و فراخوان دهنده، لازم می بینم بر دو موضوع مربوط به فراخوان این بار مهتدی مکتبی داشته باشم. اولاً چرایی فراخوان ضد کمونیستی او و همزمانی آن با پیام تبریک گفتن به پیروزی ترامپ راسیست در این شرایط؟ و ثانیاً افشای دروغ آشکار او در وارونه کردن حقیقت در مورد نقش مؤثر و مثبت حزب کمونیست ایران در تجربه بخش مهمی از کمونیستهای ایران و به طور مشخص در تجربه کومه له در کردستان!

۱- همزمانی پیام به ترامپ راسیست و پیام آنتی کمونیستی اخیر در راستای کدام هدف؟

عبدالله مهتدی باردیگر در جستجوی پیدا کردن "دوستان حال و آینده" در پروژه های "سناریوسایهی و رژیم چنجی" است. این بار دوستان و حال آینده را در دولت راسیستی ترامپ و فاشیسم دولتی نتانیاهو جستجو میکند. به فشار حداکثری ترامپ و وعده "خاورمیانه نوین" از زبان نتانیاهوامیدوار است. ارسال پیام تبریک به ترامپ راسیست اعلام آمادگی خدمت در چهارچوب نقشه های حداکثری او در تحولات قابل پیش بینی ایران است. در همین ارتباط فراخوان به "طیف کومه له" مورد خطابش با تأکید بر ضدیت با کمونیسم و تجربه حزب کمونیست ایران تکمیل کننده پیام ارسال به ترامپ و نتانیاهو و دولتهای تروریست آنها است. میخواهد به سرکردگان راسیسم و فاشیسم در جهان و در منطقه بگوید، نه تنها از گذشته "چپ و کمونیستی" خود بشدت پشیمان است، بلکه اکنون در صف مقدم ضدیت با کمونیسم و حزب کمونیستی است تا بلکه در بارگاه راست افراطی خدمتگذاریش پذیرفته شود. چه عاقبت ننگینی!!

بیش از چهارده ماه جنگ و تروریسم در خاورمیانه و نسل کشی در غزه و قتل عام جمعی در لبنان توسط دولت و ارتش اسرائیل فاشیست با همکاری و حمایت دولت آمریکا، و اکنون رویدادهای بشدت نگران کننده در سوریه، وجدان بشریت حق طلب را در

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

همزمانی پیام به ترامپ راسیست و فراخوان ...

کمونیسم رادیکال در ایران بود. در مقاطع بعدی آنچه شکاف و جدایی را در درون حزب کمونیست ایران موجب شد، اتفاقاً تحرک گرایش ناسیونالیستی بیگانه با اهداف و سیاستهای سوسیالیستی و رادیکال حزب بود. پیدایش گرایش و جریان توطئه گر و ناسیونالیست تحت رهبری مهتدی از درون حزب کمونیست و کومه له در سال ۲۰۰۰ نمونه شاخص این تحرک ارتجاعی بود. مضافاً در سه دهه اخیر عبدالله مهتدی نه تنها در درون حزب کمونیست ایران و کومه له مظهر شکاف و تفرقه و تحرک ناسالم و توطئه گری بوده، بلکه با همین خصوصیات و کاراکتر در درون سازمان فدرالیست خودش و در میان دیگر جریانات ناسیونالیست نیز به عنوان عنصر ناسالم و اپورتونیست و تفرقه افکن شناخته شده است. از قدیم گفته اند، کسی که در خانه شیشه ای نشسته بهتر است سنگ پراکنی نکند.

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

دقیقاً همین ایده آنها بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

حزب کمونیست ایران در شهریور سال ۱۳۶۲ محصول عروج مارکسیسم انقلابی با پرچمداری اتحاد مبارزان کمونیست در جنبش چپ رادیکال ایران بعد از انقلاب ۵۷ بود. کومه له در کنگره دوم خود در فروردین ۱۳۶۰ به این خط مشی پیوست. برخلاف دروغ بافی امروز مهتدی اتفاقاً فاکت واقعی اینست پیوستن به خط مشی مارکسیسم انقلابی کومه له را از جدایی و شکاف سیاسی موجود آنزمان در رهبری و بدنه کومه له نجات داد. در فاصله کنگره اول تا کنگره دوم کومه له دو خط مشی سیاسی تبیین شده و تعریف شده متفاوت از هم به نامهای دیدگاه ۱ و دیدگاه ۲ در سطح رهبری و صفوف کومه له شکل گرفته بود. ماههای قبل از تشکیل کنگره دوم مباحث این دو دیدگاه در نشریه درونی تشکیلات به نام "پیشرو" در اختیار اعضا و پیش عضوهای تشکیلات قرار گرفت. نگرانی از شکاف موجود و احتمال انشعاب یک نگرانی واقعی در سازمان کومه له وقت بود. در این فضا کنگره دوم کومه له در نزدیکی شهر بوکان برگزار شد. مباحث و اسناد پیشنهادی دیدگاه ۲ که خود را مدافع مارکسیسم انقلابی میدانست، در آن کنگره نه تنها تفوق پیدا کرد، بلکه به خط مشی وحدت بخش کل رهبری و صفوف کومه له تبدیل شد. در سطح جنبش سراسری چپ ایران کنگره دوم موجب نزدیکی سریع کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست شد. در کنگره دوم از تلاشهای اتحاد مبارزان کمونیست در تدوین و ارائه خط مشی مارکسیسم انقلابی قدردانی شد. در مقدمه جزوه قطعنامه های مصوب کنگره دوم کومه له که در اول اردیبهشت ۱۳۶۰ منتشر شده چنین آمده است. "در پایان لازم می دانیم کوشش های ارزنده ای را که از جانب "اتحاد مبارزان کمونیست" در راه مبارزه با پوپولیسم و اکونومیسم و تثبیت تئوریک بینش پرولتری در جنبش کمونیستی ایران به عمل آمده و ما را نیز در طرد بینش های انحرافی مساعدت کرده است، خاطر نشان کنیم". بعد از این انتخاب سیاسی کنگره دوم کومه له، زمینه برای ارتباط مستقیم بین رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست فراهم میشود. به دنبال دیدار هیئت نمایندگی رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست در تهران اتفاق میافتد.

از آن مقطع تلاش مشترک این دو سازمان برای ایجاد حزب کمونیست ایران وارد مرحله موثری شد. علاوه بر این دو سازمان فراکسیونهای مارکسیسم انقلابی از دیگر سازمانهای چپ ایران به پروسه ایجاد حزب کمونیست ایران پیوستند. نهایتاً کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران در شهر یور ۱۳۶۲ به مظهر اتحاد و انسجام حزبی کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست و بخشهای مهمی از چپ رادیکال ایران تبدیل شد. آن زمان که مهتدی دورانی به عنوان دبیر کل و بعداً عضو رهبری این حزب فعالیت داشت، برخلاف وارونه گویی امروز بر نقش مارکسیسم انقلابی در ایجاد وحدت در صفوف نیروهای چپ و رادیکال واز جمله کومه له و ترسیم افق سیاسی روشن در جنبش آزادیخواهانه و انقلابی در ایران و در کردستان صحبت کرده است.

کمونیسم و ایجاد حزب کمونیست ایران نه تنها موجب تفرقه و جدایی نشد، به ویژه در یک دهه اول فعالیت خود قطب اصلی اتحاد چپ و

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سرداری
 ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰ پروین کابلی
 ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹ رحمان حسین زاده
 ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزنی

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمتیست
 Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اعدام قتل عمد دولتی است!



که به نرْم ها و سنت و عاداتهای جامعه پشت پا زدند خواهد ماند. پیروزی ژیزل فقط پیروزی زنان در فرانسه نیست، بلکه پیروزی همه ی زنانی است که در سال ۲۰۲۴ تلاش کردند نرْمهای اخلاقی و قانونی را بیش از هر دوره ای زیر پا بگذارند و از آن عبور کنند .

دنیای امروز در یک برزخ و آشفتگی بینظیری برسر می برد. اما زنان میدانند چه میخواهند و افقشان کدام است. اگر چه لیا خیراله در سوریه تازه در اول راه است. اما مهم این است که لیا تنها نیست. زنان برای تغییر نابرابری و موقعیت برابر در جامعه به یک انقلاب اجتماعی زیر و رو کننده نیاز دارند .

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴



یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونیسیم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی شمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است .

زنان در سال ۲۰۲۴ نشان دادند که انقلاب

اجتماعی تنها راه حل است !

پروین کابلی

سخن آخر سال

آهو دریائی در ایران، ژیزل پلیکو در فرانسه، لیا خیراله در سوریه، نیمو در سوئد، رزمینه در ولایت غور در افغانستان، آرزو خاوری در ایران، ربکا چپتگی در اوگاندا فقط چند نام از هزاران هزار زن نیستند که قربانی شدند و یا میشوند. این لیست بسیار طولانی تر از این است. زنانی که در طول سال ۲۰۲۴ میلادی بدلیل زن بودن در کشورهای مختلف جهان یا زندگیشان را از دست داده اند و یا مورد ستم و آسیب جنسی قرار گرفته اند .

کمتر روزی است که در تیتراهای «مشتری جلب کن» رسانه های بزرگ، کشته شدن یا تعرض به زنان یا خودکشی آنها به چشم نخورد. این فقط ایران و یا زنان در خاورمیانه نیستند که قربانی پیشرویهای اسلامی سیاسی در چهار دهه اخیر شده اند. در جهان آزادی های فردی، بویژه زنان مورد تعرض قرار گرفته و عقب نشینی های زیادی به جنبش برابری طلبی زنان تحمیل شده است .

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در ایران که قتل دولتی مهسا امینی جرقه اش را زد ، بار دیگر موقعیت فرو دست زنان ایران را در مقابل چشم جهانیان قرار داد. اگر مقاومت در مقابل سیستم آپارتاید جنسی در ایران بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی برای بسیاری از مردم جهان روشن بودف ولی این خیزش نشان داد که این جنبش به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهد. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بدلیل سرکوب وحشیانه ی رژیم از خیابانها عقب نشینی کرد، اما اعتراض هرگز خاموش نشد. آهو دریایی ها، آرزو خاوری ها و پرستو احمدی نشان دادند که عقب نشینی کامل یعنی مرگ هرآنچه که زندگی نام دارد.

سال ۲۰۲۴ علیرغم سبعت، کشتار و نسل کشی در غزه که با حمله به فستیوال جوانان بیگناه توسط حماس جرقه اش زده شد، بیشترین قربانیانش زنان و کودکان ستم دیده ی فلسطینی بوده اند. اما بدلیل عمق جنایت دو طرف جنگ، ما هرگز نخواهیم توانست پیامدهای این جنگ را در میان زنان و خانواده های فلسطینی درک کنیم. جنگی که بدون شک به ادامه بی حقوقی زنان چه در اسرائیل و بخصوص در فلسطین بیش از پیش دامن زده است .

اما ژیزل پلیتکو در فرانسه پرچم دیگری را بلند کرد. قربانیان تجاوز و تعرض جنسی نباید سکوت کنند حتی اگر این متجاوز شریک و رفیق زندگیشان باشد. ژیزل میتواند با نقاب در دادگاه ظاهر شود و یا پشت درهای بسته ی دادگاه همسرش را که مسئول تجاوز سیستماتیک به او است را همراه با دیگرانی که به او در بیهوشی تجاوز کرده اند به محکمه بکشاند. اما ژیزل برخلاف اکثریت زنان امروز دنیا، رسماً و علناً بنام خود آشکارا ایستاد و به این حقیقت تلخ پشت پا زد که زنان قربانی معمولاً سکوت میکنند. ژیزل بدون شک بعنوان یک زن شجاع در کنار زنانی مانند دریا آهوئی، نیکا شاکرمی،

کردن فضای سیاسی، اما هر روز بدنام تر و بی اعتبارتر شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیت کارگری - حکمتیست، پاپوش دوزی و افترای سلطنت طلبان علیه علی جوادی و کمونیت ها را محکوم میکند. نقد و مخالفت سیاسی را با هر مدیومی میتوان و افترا باید بیان کرد و نباید هیچ حد و مرزی بر آن گذاشت، اما اتهام و افترا و تهمت نه مجاز است و نه حتی با مینیمم استانداردهای این جوامع قانونی است. اقدام کنگرلو و نسبت دادن جنایت به فرد-افراد حقیقی و حقوقی در رسانه ها یک جرم و قابل پیگیری است. ما از نیروهای سیاسی آزادیخواه و مسئول که در حفظ سلامت فضای سیاسی ذینفعند، میخواهیم در مقابل این روشهای ارتجاعی سکوت نکنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ آذر ۱۴۰۳ - ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com



تلوویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیت کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

افترا و پرونده سازی سلطنت طالبان علیه

کمونیتها محکوم است!

اخیرا رفیق علی جوادی و الهیار کنگرلو در برنامه یاسر فلاح از تلویزیون کانال یک، در رابطه با تحولات سوریه در یک گفتگو شرکت کرده اند. رفیق علی جوادی اشاره میکند که "حکومت اسد هم درست مانند رژیم شاه زمانیکه حمایت نیروهای اصلی و متحد خود را از دست داد (در این جا، رژیمهای جنایتکار اسلامی و روسیه و در آن زمان حکومت آمریکا و متحدین اروپایی اش)، در عرض مدت کوتاهی سقوط کرد. کنگرلو، بجای اظهار نظر در مورد سقوط اسد یا بیان نظر مخالفش، از مقایسه دو رژیم پهلوی و رژیم بشار اسد برآشفته میشود و اتهامات سنگینی به علی جوادی و کمونیتها میزند.

وی از جمله میگوید: "شما کمونیتها و رفقایان موثلف مرتجع ترین نیروی تاریخ ایران بودید. فکر میکنید که مردم ایران خون روی دستان شما را نمی بینند؟!... شما نگران این هستید که ما خون روی دستان شما را افشا کردیم؟!"

تولید و اشاعه دروغ، وارونه کردن حقایق تاریخی و پاپوش دوزی برای کمونیتها، یک رکن ثابت سیاست دو رژیم پهلوی و اسلامی بوده است. امروز هواداران فالانژ سلطنت امثال کنگرلو، میراث دار این سنت ارتجاعی هستند. این فرد ظاهراً استاد دانشگاه است اما کمترین بوئی از مدنیت و رعایت حقوق و حرمت افراد نبرده است. وی در برنامه زنده و چشم در چشم مردم، دروغ میگوید و پرونده سازی میکند و حکم میدهد! انگار مردم ایران مشکل شان با خلخالها فقط عمامه شان بوده است!

اگر فکر میکنید اظهارات کنگرلو از سر بی اطلاعی است، حُسن نظر دارید. خیر، این قلب حقایق و پرونده سازی برای کمونیتها آگاهانه است. امثال کنگرلو و مفسرین و تازه کارشناسان رسانه ها خوب میدانند که علی جوادی و طیف وسیعی از کمونیتها متعلق به جنبش کمونیسیم کارگری، همینطور بخش عمده ای از جریانات چپ و سوسیالیست، از ابتدا علیه جمهوری اسلامی جنگیدند و نه گفتند و هزاران هزارشان در گورهای بدون نام و نشان اند. در تحولات ۵۷ ایران، این نیروهای ملی مذهبی و آخوند و اسلام زده و طیف حزب توده و فدائی اکثریت بود که از همان لحظه بقدرت رسیدن خمینی موثلف رژیم اسلامی بودند. اتهام پوچ کنگرلوی سلطنت طلب به علی جوادی کمونیت شناخته شده، مقدمه پرونده سازی های فردا است. اینها هنوز دست شان به یک واحه نرسیده عنان از کف داده اند!

جنایت رژیم پهلوی و ساواک علیه مخالفین سیاسی مستند است و با قلب تاریخ و وارونه کردن حقایق نمیتوانید کارنامه مملو از تباهی و فساد و زندانهای مخوف اوین و کمیته مشترک ساواک و شهرداری و قزلحصار و پادگان جلدیان و غیره را زیر فرش کنید. رژیم اسلامی روی دوش پرسنل ساواک رژیم پهلوی سرپا ایستاد، لاجوردی ها ادامه ثابتی ها هستند. در دو سال گذشته جریان منتسب به سلطنت در خارج از کشور از هیچ تلاشی برای تخریب خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و لجن پراکنی به مخالفین و ترویج لمپنیسم دریغ نکرده اند. از فحاشی و تعرض فیزیکی به مخالفین سیاسی تا تبلیغات جعلی و اتهام زنی برای مسموم

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

Uk

هیئت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان
کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین
زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!